

از «پرده آخر» تا «پرویز»

فیلم‌های پیشنهادی ناصر ضمیری، نیما جاویدی و کوروش عطائی در روزگار قرنطینه خانگی به خوانندگان شهرآرا

این روزها که عموم مردم ایران به دلیل شیوع ویروس کرونا در قرنطینه خانگی به سر می‌برند، تماشای فیلم و سریال بخش مهمی از اوقات فراغت آن‌ها را پر می‌کند؛ از این رو در نوشتار پیش رو به سراغ ۳ فیلم ساز برجسته خراسانی رفتیم تا با ارائه پیشنهادهای سینمایی شان تنوع بیشتری به قاب تلویزیون خانه‌های مردم ببخشند.

ناصر ضمیری

دل‌بستگی به سینمای خاطره‌انگیز

نیما جاویدی، سینماگر مطرح خراسانی، برای این روزهای در قرنطینه ماندن پیشنهادهای جالبی دارد. او پنج فیلم و یک سریال را برای تماشای پیشنهاد کرده است. جالب اینجاست که درباره فیلم‌های ایرانی پیشنهادی‌اش تاکید می‌کند اگر آن‌ها را دیده‌اید، باز هم به تماشایشان بنشینید.



«بانو»، به نویسندگی و کارگردانی داریوش مهرجویی، محصول سال ۱۳۷۰، نخستین پیشنهاد جاویدی است. این اثر سینمایی از فیلم‌های مورد علاقه اوست که خودش هم چندین بار به تماشای آن تشنه است. «بانو» با بازی بیتا فرهی، مرحوم خسرو شکیبایی و مرحوم عزت‌الله انتظامی، فیلمی است اجتماعی که داستان زنی به نام مریم را روایت می‌کند که در بحرانی عاطفی از سوی همسرش قرار گرفته است و برای رهایی از تنهایی، تصمیم‌های دردسرساز می‌گیرد. پیشنهاد بعدی کارگردان «سرخ‌پوست»، فیلم سینمایی «پرده آخر» به نویسندگی و کارگردانی واورژ کریم‌مسیحی است که داریوش ارجمند، بازیگر پیش‌کسوت مشهور، نیز در آن نقش آفریده است. «پرده آخر» سال ۱۳۶۹ ساخته شده است و فریم‌های فرجامی، نیکو خردمند و جمشید هاشم‌پور در آن بازی می‌کنند. این فیلم، داستان دسیسه‌هایی است که تاج‌الملوک و کامران میرزا، خواهر و برادر حسام‌میرزا، طرح‌ریزی می‌کنند تا آریه‌ای که به همسرش فروغ‌الزمان رسیده است را بالا بکشند. آن‌ها از یک گروه نمایشی می‌خواهند تا با اجرای خود در منزل فروغ‌الزمان، به همه نشان دهند که همسر برادرشان مجنون شده است و صلاحیت تصاحب آریه خانوادگی‌شان را ندارد. در ادامه پای بازیگر رکنی به ماجرا باز می‌شود و فیلم رنگ‌وبویی جنایی به خود می‌گیرد. «ترن»، ساخته

امیر قویدل، سینماگر مشهور، آخرین پیشنهاد جاویدی از میان فیلم‌های ایرانی است. این فیلم ساخته سال ۱۳۶۶ است و شاید موسیقی آن (ساخته مجید فرامرز قربیان، خسرو شکیبایی و عنایت بخشی از بازیگران اصلی فیلم هستند. «ترن» که داستانش به سال‌های پیش از انقلاب اسلامی برمی‌گردد، در مورد قطار حامل سوخت مردم مناطق سردسیر کشور است که نیروهای رژیم پهلوی متوقفش می‌کنند. در این میان، لوکوموتور آن (فرامرز قربیان) مصمم می‌شود قطار را به مقصد برساند.

پیشنهاد نخست جاویدی از میان فیلم‌های خارجی، «چاقو کشی» (Knives Out) اثر رایان جانسون است که از تازه‌های سینمای آمریکاست. این اثر سینمایی که ظرف مدت کوتاهی به یک فیلم پرفروش در جهان تبدیل شد، هم کم‌دی و هم جنایی و هم رازآلود و هیجان‌انگیز است. «چاقو کشی» در مورد مرگ نویسنده‌رمان‌های جنایی است که در سالروز هشتادوپنج‌سالگی جسدش در منزلی پیدا می‌شود. کارآگاهی کنجاکو و خوش‌فکار تحقیقاتش را در مورد این پرونده اسرارآمیز آغاز می‌کند. این فیلم در سایت‌های مجاز پخش‌کننده فیلم‌های فارسی در دسترس علاقه‌مندان قرار دارد.

«لاک» (Locke)، عنوان فیلم بعدی پیشنهادی نیما جاویدی است که محصول سال ۲۰۱۳ است. این فیلم انگلیسی‌زبان است و نایت نوشته و خودش آن را کارگردانی کرده است. تمام زمان این فیلم هشتادوچهار دقیقه‌ای داخل خودروی آیون لاک با بازی تام‌هاردی می‌گذرد.

سریال «فارگو» (Fargo) به کارگردانی نوا هولی، آخرین پیشنهاد جاویدی برای تعطیلات قرنطینه‌ای است. «فارگو» هم همانند دیگر پیشنهادهای این سینماگر خراسانی، یک درام، کم‌دی و سیاه و جنایی است که به نظر می‌رسد اگر به تماشایش بنشینید، به راحتی تا آخر تعطیلات نوروز را باید در خانه بمانید. این سریال در سه فصل عرضه شده است که برپایه یک فیلم سینمایی با همین نام است. این دو برادر تهیه‌کننده سریال نیز هستند. ظاهراً داستان این مجموعه تلویزیونی براساس واقعیت است و تولید فصل چهارم آن نیز اواخر سال ۲۰۱۹ میلادی در شیکاگو آغاز شده است.



سینمای انسانی برای تعطیلات پایان سال

ناصر ضمیری، دیگر سینماگر مشهدی که علاوه بر ساخت چندین فیلم کوتاه و حضور در رویدادهای هنری جهان، ساخت فیلم سینمایی «با دیگران» و مستند بلند «روابط خانوادگی» را در کارنامه خود دارد، برای مخاطبان شهرآرا در روزهای فراغت پیشنهادهایی دارد. از میان آن‌ها چندتایی را برای معرفی برگزیده‌ایم که تماشای دوباره و حتی چندباره‌شان لذت‌بخش است.



«طبیعت بی‌جان»، به نویسندگی و کارگردانی مرحوم سهراب شهیدثالث، نخستین پیشنهاد ضمیری است. این فیلم که در سال ۱۳۵۲ تولید شده است، زندگی زوجی سالخورده را نشان می‌دهد که در منطقه‌ای دورافتاده زندگی می‌کنند. پیرمرد سوزن‌بان است و حکم بازنگشتگی‌اش را دریافت کرده است. او باید جایش را به یک جوان بدهد. همین مسئله زندگی آرام‌ی زن و شوهر را به چالش می‌کشد. این فیلم همانند سایر فیلم‌های شهیدثالث ریتمی کند دارد، اما سادگی زندگی شخصیت‌های داستان، بیننده را به خود مجذوب می‌کند.

هستند افرادی که بارها فیلم سینمایی «هامون»، ساخته داریوش مهرجویی، را تماشا کرده‌اند و اگر دوباره هم به آن‌ها تماشای این فیلم را پیشنهاد دهیم، با کمال میل می‌پذیرند. ضمیری هم براساس همین تجربه، این فیلم را در فهرست پیشنهادهای خود جای داده است. بعد از «بانو» که آن را نیما جاویدی معرفی کرده بود، این فیلم دومین اثر مهرجویی است که در میان فیلم‌های پیشنهادشده قرار می‌گیرد.

با اینکه ۳۰ سال از تولید فیلم می‌گذرد، مشتاقان سینمای مهرجویی همچنان باور دارند این اثر از ماندگارترین آثار سینمای ایران است.

مرحوم خسرو شکیبایی، مرحوم عزت‌الله انتظامی و بیتا فرهی جزو بازیگران این فیلم سینمایی هستند که با نقش آفرینی خود به دغدغه‌های نسل جوان جامعه اشاره می‌کنند.

«پرویز»، به نویسندگی و کارگردانی مجید برزگر، از آن دسته فیلم‌هایی است که در آن‌ها تماشای آن برای تعطیلات توصیه کرده است. این فیلم درامی است به کارگردانی مایک لی که در سال ۱۹۹۶ در انگلستان ساخته شده است و به زندگی دختری سیاه‌پوست اشاره می‌کند که بعد از مرگ مادر خوانده‌اش به دنبال مادر واقعی خود می‌گردد.

«زان با پتیست» نام این لطیف خود نشان می‌دهد دختر سیاه‌پوست در فیلم است. مادر او زنی سفیدپوست است که زندگی عمیق‌تری داشته است؛ از دیدن دختر گمشده‌اش نگران می‌شود اما بعد از اینکه با او ارتباط برقرار می‌کند، زندگی تلخ و یکنواختش رنگی دیگر به خود می‌گیرد.



جهان سینمایی یک مستندساز

کوروش عطایی، مستندساز و یکی از کارگردانان فیلم مستند «در جست‌وجوی فریده» - که در مشهد تولید شده است و نماینده ایران در اسکار ۲۰۲۰ نیز بود - برای مخاطبان شهرآرا در تعطیلات قرنطینه‌ای پیشنهادهای متفاوتی دارد.



قبل از اینکه بخواهیم به پیشنهادهای عطایی بپردازیم، باید فیلم مستند خودش، «در جست‌وجوی فریده» را برای تماشای پیشنهاد بدهیم. این فیلم سرنوشت دختری به نام فریده را به تصویر کشیده است.

او سال‌ها قبل، هنگامی که شیرخوار بوده است، در حرم مطهر رضوی رها می‌شود. او را خانواده‌ای به فرزند می‌پذیرند و بعد از آن برای زندگی با خانواده جدیدش به کشوری خارجی می‌رود. فیلم از زمانی آغاز می‌شود که فریده، زنی کامل و بالغ شده است و تصمیم می‌گیرد به مشهد بیاید تا خانواده‌اش را بیابد.

این مستند که بخش بزرگی از آن در مشهد تصویربرداری شده، در جشنواره‌های متعدد ملی به نمایش گذاشته شده و جوایزی از جشنواره سینما «حقیقت»، «رشد» و... نصیب سازندگان‌ش شده است. عطایی این فیلم را به همراه آزاده موسوی نوشته، تهیه کرده و خودش کارگردان آن بوده است. تماشای این فیلم، برای مشهدی‌ها خالی از لطف نیست.

او به پشتوانه مستندسازی‌اش، فیلم مستند «دلبر و بوکسور»، ساخته زاجری هاین زلینگ ژاپنی، را پیشنهاد داده است. «دلبر و بوکسور» که نامزد بهترین مستند بلند اسکار ۲۰۱۴ بوده و در بخش مرور سینمای ژاپن در هشتمین دوره جشنواره بین‌المللی «سینماحقیقت» در ایران نیز اکران شده است.

این مستند بلند سینمایی ماجرای پیرمردی را روایت می‌کند که در جوانی بوکسور بوده است و در روزگار کهنسالی به همراه همسرش با بهره‌گیری از تکنیک‌های این ورزش رزمی که تأثیر عمیقی بر زندگی آن‌ها گذاشته است، به خلق آثار هنری می‌پردازد.

این فیلم مستند با بیان لطیف خود نشان می‌دهد هنر و مبادرت ورزیدن به خلق آثار هنری تا چه اندازه می‌تواند بر زندگی انسان تأثیرگذار باشد.

تماشای این مستند که عطایی آن را لذت‌بخش توصیف کرده است، می‌تواند اوقات متفاوتی را برای اعضای خانواده فراهم کند.

عطایی برای مخاطبان شهرآرا



مرگ غریبانه یک پیش‌کسوت تئاتر

در هیاهوی کرونا

شوند. «آپادانا» در فضای دانشگاهی فعالیت می‌کرد، اما در سطح تئاتر حرفه‌ای مشهد آن را به عنوان یک گروه تئاتر پیشرفته و حرفه‌ای با نگاه روشن‌فکری می‌شناختند.

محمد مطیع از دوستان و هم‌گروه زنده‌یاد هوشیار از زمان فعالیتش در «آپادانا» می‌گوید: «من همراه با خسرو هوشیار در خیلی از شهرهای خراسان تئاتر همراه با موسیقی اجرا می‌کردیم. با تومبیل شخصی به این سفرها

هوشیار را بیشتر با «آپادانا» می‌شناختم.

او که در ابتدای دهه ۴۰ دانشجوی ادبیات دانشگاه فردوسی بود و شاگرد دکتر علی شریعتی را در کارنامه افتخاراتش دارد، همراه با دوست هم‌کلاسی خود، منوچهر خادم‌زاده، تئاتر دانشگاهی آپادانا در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ به یادگار بماند. زنده‌یاد هوشیار همراه با داریوش ارجمند، منوچهر خادم‌زاده، زنده‌یاد محمد مطیع و زنده‌یاد فریدون صلاحی در آن سال‌ها با ایجاد یک گروه تئاتر، فعالیت‌های زیادی در زمینه نمایش‌های صحنه‌ای و رادیویی انجام دادند.

می‌شناختم. زنده‌یاد هوشیار که در ۱۸ سالگی فعالیت هنری‌اش را با رادیو آغاز کرد، به دلیل علاقه بسیاریش به بازیگری، به سرعت جذب عرصه فعال تئاتر آن زمان شد و فعالیت تئاتر دانشگاهی آپادانا در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ به یادگار بماند. زنده‌یاد هوشیار همراه با داریوش ارجمند، منوچهر خادم‌زاده، زنده‌یاد محمد مطیع و زنده‌یاد فریدون صلاحی در آن سال‌ها با ایجاد یک گروه تئاتر، فعالیت‌های زیادی در زمینه نمایش‌های صحنه‌ای و رادیویی انجام دادند.

در آخرین روزهای سال ۹۸، مرد ۷۹ساله تئاتر مشهد درگذشت. خیلی غریبانه در هیاهوی ویروس کرونا. او ۲۳ اسفندماه خیلی آرام در آرامستان هنرمندان بهشت رضاع) مشهد آرام گرفت. سیدخسرو هوشیار حسینی نامی بود که همیشه برای جوانان تئاتر مشهد غریب و برای پیش‌کسوتانش بسیار آشناست. به‌طور حتم در گذشت این نویسنده، متفکر و محقق تئاتر، حرف‌های ناگفته‌ای برای بسیاری از اهالی تئاتر در روزهای آینده خواهد داشت، به‌خصوص برای تاریخ‌پژوهان تئاتر مشهد که او را قدیم‌تا امروز به خوبی

نوشت و تا مراحل اجرای کار هم پیش رفت، اما مشکلات اقتصادی و هزینه‌های زیاد تولید فیلم سینمایی سبب بازماندگی او در نیمه راه شد. او سال‌ها در عرصه‌های نقد فیلم و تئاتر، نه به‌صورت مصلحت‌گرایانه، بلکه از نگاه علمی و فلسفه هنر فعالیت می‌کرد.

زنده‌یاد سیدخسرو هوشیار حسینی در جوانی نمایشنامه‌نویس و نیز کارگردان تئاتر بود و در میان سالی بیشتر وقتش را به تحقیق، نقد و پژوهشگری می‌گذراند. او در آخرین دهه عمرش، کتاب «ایین دبیری» را همراه با دکتر اندیشه قدیریان نوشت. روحش شاد و یادش گرامی.